

ترهایی برای تنظیم یک سند سیاسی

۱) توجه به این نکته که آرایش برای دوره بعد از جمهوری اسلامی هم اکنون آغاز شده است. مشخصه وضع کنونی این است که دیگر همه نیروهای اپوزیسیون (و حتی بخشی از اپوزیسیون درونی رژیم) در این که رژیم ولایت فقیه باید بر چیده شود، به نوعی هم رایی عملی دست یافته اند. یعنی ضرورت سرنگونی دیگر قطعیت یافته و کانون تقلاها و تلاش ها روی چند و چون نظام سیاسی آینده متمرکز شده است. البته این به معنای حل مساله سرنگونی نیست. تردیدی نیست که چگونگی نظام آینده تا حدودی به چگونگی سرنگونی یا فروپاشی جمهوری اسلامی و زمان آن بستگی دارد.

۲) بعد از سقوط صدام حسین، نقش عامل خارجی در فشار بر جمهوری اسلامی افزایش یافته است. حتی عوامل داخلی نیز در نتیجه تشدید فشار خارجی، فعال تر شده اند. تاکید به این نکته به معنای این نیست که سرنوشت جمهوری اسلامی ضرورتاً به وسیله عوامل خارجی (و در رأس آنها، آمریکا) تعیین خواهد شد. این مساله بستگی به چگونگی تحرک و کارایی نیروهای داخلی دارد. احتمال سازش جمهوری اسلامی و آمریکا (لااقل تا زمانی که تیم بوش بر سرکار هستند) کم است. نه به دلیل این که جمهوری اسلامی حاضر به دادن امتیازات نیست، بلکه به دلیل این که آمریکا در موقعیتی است که به این نوع امتیازات راضی نمی شود.

۳) اگر چشم انداز انقلاب (یا سرنگونی \ فرروپاشی جمهوری اسلامی) یک احتمال واقعی است، سؤال کلیدی این است که رابطه این سرنگونی و مداخله آمریکا چگونه است؟ به عبارت دیگر، آیا سرنگونی جمهوری اسلامی زیر فشار مبارزات مردم یا حتی قیام آنها، به خودی خود نافی خطر آمریکاست؟ پاسخ منفی است. زیرا ما در شرایطی هستیم که حتی یک قیام توده ای وسیع ضرورتاً به خودی خود خطر نفوذ آمریکا را منتفی نمی کند، ما در شرایطی هستیم که آمریکا دقیقاً از طریق انقلاب می تواند نفوذ خود را در این کشور بگستراند. تردیدی نیست که انقلاب شانس و امکان بیشتری برای شکل گیری اراده مستقل توده ای، و بنابراین دموکراسی، به وجود می آورد و به این دلیل به هیچ وجه برای مردم ایران علی السویه نیست که جمهوری اسلامی چگونه سرنگون می شود. اما وضع آرایش نیروهای طبقاتی در داخل کشور و در سطح بین المللی چنان است که انقلاب به خودی خود برای مردم ایران در مقابل نفوذ آمریکا مصونیت ایجاد نمی کند. در یک کلام آمریکا می تواند همان طور با انقلاب بیاید که در سال ۱۳۵۷ خمینی با انقلاب آمد. خطر "انقلاب منفعل" یعنی انقلاب بدون انقلاب، در شرایط امروز ایران یک خطر جدی است و به هیچ وجه نباید دست کم گرفته شود.

۴) دوره ای آغاز شده است با مخاطرات بزرگ و نیز فرصت های بزرگ؛ که هم برای بهره برداری از فرصت ها و هم برای مقابله با خطرات، شرط لازم و حتی حیاتی، بازی در مقیاس بزرگ است، اثر گذاری سیاسی در مقیاس بزرگ توده ای. بنابراین، کافی نیست که درک درستی از شرایط داشته باشیم و به روشنی آن را بیان کنیم، بلکه لازم است اولاً بتوانیم آن را در مقیاس توده ای و به صورتی همه فهم به گوش مردم و مخصوصاً طبقات محروم برسانیم و ثانیاً بتوانیم موج اجتماعی و واقعاً توده ای به وجود بیاوریم.

۵) زمینه های خطرهای پیش رو از آنجا است که اولاً یکبار دیگر با شبح "انقلاب منفعل" روبرو هستیم، یعنی این که مردم به پا خیزند و رژیم فرو پاشد یا سرنگون شود، ولی سرنوشت شان را به دست کسانی بدهند که انقیاد مردم را می خواهند، همان طور که در سال ۱۳۵۷ درست از طریق

انقلاب طوق اسارت ولایت فقیه را بر گردن شان انداختند. ثانیاً امکانات آمریکا برای مداخله در ایران واقعاً به نحو بی‌سابقه‌ای گسترده و متنوع است. و فرصت‌ها از آنجاست که اولاً در ایران، در هر حال احتمال انقلاب و اقدامات مستقیم (و خواه ناخواه تا حدی مستقل) توده‌ای، یک احتمال واقعی است. و در چنین شرایطی حتماً امکانات عظیمی برای دموکراتیزاسیون به وجود می‌آید. ثانیاً تجربه عراق که احتمالاً به زودی باتلاقی برای آمریکا خواهد شد و ماهیت و نیات آمریکا را در منطقه به مردم ایران بر ملا خواهد کرد، در بیداری و هشیاری ایرانیان می‌تواند بسیار موثر واقع شود. ثالثاً جنبش جهانی ضد جنگ و مخالفت جهانی افکار عمومی با سیاست‌های امپریالیسم آمریکا می‌تواند در بیدار سازی مردم ایران اثرات واقعی داشته باشد. مسأله کلیدی یک استراتژی انقلابی این است که در این شرایط بشود از امکانات وسیعی که وجود دارند برای مقابله با خطرات بزرگی که در پیش رو هستند، به نحوی مؤثر بهره برداری شود.

۶) راه سیاست توده‌ای و مؤثر بی‌گمان در شرایط امروز با دست یافتن به رسانه‌های نیرومند قابل دسترسی برای توده وسیع؛ گشوده می‌شود بنا بر این برای ائتلاف‌های وسیع معطوف به اقدامات مشخص ارتباطی باید تلاش کنیم. برای ایجاد فوروم دموکراتیک باید هم‌چنان تلاش نمائیم و در عین حال از نحوه کارمان در جهت عملی کردن آن ارزیابی روشنی داشته باشیم. در حال حاضر تنها با ائتلاف‌های باز و مشخص معطوف به اقدامات مشخص می‌شود به یک سیاست دفاعی کارآمد در برابر سلطنت‌طلبان و طرح‌های آمریکا، دست یافت.

۷) سیاست دفاعی در صورتی می‌تواند معنا داشته باشد که از خطرات مشخص تصور روشنی داشته باشیم و شکل و مقیاس اقدامات لازم برای مقابله با آنها را بشناسیم. اکنون خطر بازگشت سلطنت به کمک آمریکا و حتی با مداخلات آن یک خطر واقعی است. هم‌چنین خطر مداخلات مستقیم سیاسی و حتی نظامی آمریکا در ایران- و نیز سیاست‌هایی برای تجزیه ایران که هم‌اکنون نشانه‌های روشنی از بازی محافل حاکمه آمریکا با موجودیت ایران دیده می‌شود. و بالاخره خطر تحمیل نئولیبرالیسم بر کشور ما خطری است که معمولاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد. از میان خطرات یاد شده، خطر نئولیبرالیسم نه تنها بیشتر و قطعی‌تر از مخاطرات دیگر است، بلکه مبارزه با آن با موانع و مشکلات بیشتری روبرو خواهد بود. تردیدی نیست که حالا آمریکا روی سلطنت‌طلبان بیش از جریان‌های دیگر حساب می‌کند ولی مسلم است که منافع آمریکا و سلطنت‌طلبان ضرورتاً یکسان نیست و بعید است آمریکا تمام تخم مرغ‌هایش را در یک سبد بگذارد و به دست سلطنت بدهد. هم‌چنین بعید است آمریکا حتماً به مداخله نظامی در ایران بپردازد. مسلم است که مداخله نظامی (مخصوصاً در ابعادی که در افغانستان و عراق دیده شد) آخرین گزینه آمریکا برای اعمال نفوذ در ایران است و خواهد بود. در باره طرح‌های مربوط به تجزیه ایران نیز همین اصل صادق است. اما در باره خطر نئولیبرالیسم چنین تردیدهایی اصلاً وجود ندارد. و مسلم است که آمریکا و کل نظام اقتصادی حاکم بر جهان در جهت تحمیل نئولیبرالیسم حرکت می‌کنند و خواهند کرد. و در این راه نه تنها متحدان بسیار گسترده‌ای دارند، بلکه برای تحمیل آن ضرورتاً نه به سلطنت نیاز دارند و نه به مداخله مستقیم سیاسی یا نظامی. بعلاوه برای مقابله با این خطر نیز نیروی ما بسیار پراکنده است و صدایمان بسیار ناتوان و منطبق استدلال مان آرکائیک. و این در حالی است که در صورت پیروزی نئولیبرالیسم در ایران شرایط تأسیس و پای گرفتن دموکراسی قطعاً تضعیف خواهد شد. زیرا حتی یک دموکراسی کاملاً نیم‌بند لیبرالی به یک تعادل اقتصادی-سیاسی نیاز دارد که نئولیبرالیسم آن را ناممکن می‌سازد. و فراموش نباید کرد که در ایران نئولیبرالیسم شکل خشن‌تر دنیای سومی پیدا خواهد کرد.

۸) برای دست یافتن به یک خط دفاعی در مقابل خطر نئولیبرالیسم، ما به بسیج طبقاتی و آرایش طبقاتی زحمتکشان و تهیدستان نیاز داریم. و مساعدترین راه و شکل دست یافتن به چنین آرایش طبقاتی در شرایط ایران امروز، تلاش برای شکل دادن به یک فوروم اجتماعی است که الگوهای آن اکنون در بعضی کشورها بوجود آمده است و با توجه به شرایط موج های بزرگ حرکت اجتماعی در ایران نیز شرایط مساعدی برای شکل گیری آن وجود دارد. از طریق شکل گیری فوروم اجتماعی است که ما می توانیم در ابعاد بزرگ و توده ای (یعنی چیزی که در خور شرایط کنونی باشد) هم برای دموکراسی و هم برای سرنگونی جمهوری اسلامی جنبش بزرگی راه بیندازیم و هم وزن چپ و طبقات زحمتکش را در صحنه سیاست ایران با شتاب لازم بالا ببریم.

۹) فوروم اجتماعی آن چیزی است که امروز باید در ایران پا بگیرد، و مساله اصلی در این مورد در حله نخست شناساندن و بر سر زبان ها انداختن ایده فوروم اجتماعی و ضرورت آن در شرایط ایران امروز است. به عبارت دیگر موج تبلیغاتی وسیع (و البته با روحیه غیر فرقه ای و بدون بهره برداری تنگ نظرانه از آن) برای فراهم کردن شرایط شکل گیری آن اهمیت زیادی دارد. بر سر زبان ها انداختن ایده فوروم اجتماعی مسلماً در شرایط کنونی داخل ایران در میان فعالان چپ، سازمان گران جنبش های اجتماعی و روشنفکران رادیکال، پژوهاک مساعدی خواهد یافت.

تردیدی نیست که فوروم اجتماعی در راستای استراتژی سوسیالیستی ماست و ما با تمام توان و امکانات مان می توانیم در راستای آن حرکت کنیم. و نیز تردیدی نیست که فوروم اجتماعی و فوروم دموکراتیک نه تنها رقیب هم نیستند، بلکه همدیگر را تکمیل می توانند بکنند.

محمد رضا شالگونی